

مقاله پژوهشی

بررسی و تحلیل تشکیلات اداری خدمتگزاران آستانه مقدسه از ابتدای دوره قاجار تا پایان پهلوی

احمد جمراسی، شهاب شهیدانی*، علاءالدین شاهرخی

دانشجوی دکترا تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد-ایران؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد-ایران؛

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد-ایران

تاریخ دریافت: (۱۴۰۰/۰۲/۰۸) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۴/۱۲)

Study and analysis of the administrative organization of the servants of the Holy Threshold from the Qajar period to the end of the Pahlavi

Ahmad Jamrasi, Shahab Shahidani, Alaeddin Shahrokhy

PhD Student in History of Islamic Iran, Lorestan University, Assistant Professor, Department of History, Lorestan University, (corresponding author) Associate Prof, Department of History, Lorestan University,

Received: (2021 /04 /28) Accepted: (2021 /07 /03)

Abstract

چکیده

One of the oldest administrative-religious organizations in Iran is the organization created under the shrine of Hazrat Masoumeh (s), which was developed during the Qajar and Pahlavi periods in terms of administrative organization. This article seeks to answer the question with a descriptive-analytical method that in the field of administrative organization of servants in the Qajar and Pahlavi period, how the holy threshold of manpower absorbed and organized? How were you financed? How were the salaries and benefits of the servants paid? Method / approach; This research has been prepared by using library and documentary sources and by descriptive-analytical method. Findings and results; The results show that during the Qajar period, the administration of the Holy Threshold was managed by Sadat Hosseini and Razavi, with government decrees called hereditary servants, and other than their heirs, no one else was allowed to work on the Holy Threshold. Studies also show that the Constitutional Revolution and the dictatorial administrative reforms of the Pahlavi period had a significant impact on the organization of Astana, so that with the promulgation of the administrative regulations, the uniform law and the cleric's license by the Ministry of Education, the Astana administration changed the payment of salaries and salaries.

Keywords: Holy Threshold, Administrative Organization, Trustee, Rebellious, Pilgrimage Letter, Qom.

یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های اداری — مذهبی ایران، تشکیلات به وجود آمده در ذیل حرم حضرت معصومه (س) است که در طول دوره قاجاریه و پهلوی از حیث ملاحظات تشکیلات اداری، توسعه و تکامل پیدا کرد. این مقاله در صدد است با روش توصیفی — تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که در حوزه تشکیلات اداری خدمتگزاران در دوره قاجاریه و پهلوی، آستانه مقدسه نیروی انسانی خود را چگونه جذب و سازماندهی می‌کرد؟ و انقلاب مشروطه و اصلاحات آمرانه دوره پهلوی، چه تأثیری بر تشکیلات اداری آستانه گذاشتند؟ این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش توصیفی — تحلیلی تنظیم شده است. نتایج نشان می‌دهد که در دوره قاجاریه، اداره آستانه مقدسه را سادات حسینی و رضوی، با فرمان‌های حکومتی تحت عنوان: خدمتگزاران موروثی، اداره می‌کردند و به غیر از بازماندگان آنها، افراد دیگری اجازه فعالیت در آستانه مقدسه را نداشتند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد، انقلاب مشروطه و اصلاحات اداری آمرانه دوره پهلوی، تأثیر بسزایی در تشکیلات آستانه داشت، به گونه‌ای که با ابلاغ نظام‌نامه اداری، قانون لباس متحدالشکل و جواز لباس روحانیون توسط وزارت معارف، اداره آستانه در پرداخت حقوق و پوشش خدمتگزاران دگرگونی ایجاد نمود.

کلیدواژه‌ها: آستانه مقدسه، تشکیلات اداری، متولی، سرکشیک، زیارت‌نامه خوان، قم.

۱. مقدمه

به نوشته تاریخ قم، حاکم شهر قم موسی ابن خزرج، در زمان خلافت ابوالعباس عبدالله مأمون، خلیفه هفتم عباسی، اولین کسی بود که در طول هفده روز سکونت حضرت معصومه (س) در قم به سال ۲۰۱ ق از او پذیرای نمود و بعد از فوت، او را به صورت باشکوهی در باغ بابلان دفن کرد. همچنین برای گرامیداشت آن حضرت، با استفاده از سایه بان، مرقد ساده‌ای ساخت. به معنای دیگر، بعد از ساخت این بقعه و ورود موسی مبرقع به سال ۲۵۳ ق، به عنوان نقیب سادات به قم، حرم حضرت معصومه (س) بیش از گذشته مورد توجه شیعیان قرار گرفت (قمی، ۱۳۸۴: ۳۱۰).

در این میان ابوعبدالله حسین ابن اشکیب قمی، از اصحاب حضرت امام هادی (ع)، اولین کسی است که از او به نام خادم‌القبر یاد شده است، خدمتگزاری که در کنار خدمت به زیارت کنندگان، قرآن مجید و روایات اسلامی نیز تدریس می‌کرد (ابطحی‌صفهانی، ۱۳۴۸: ۶۰).

بررسی اسناد اداری و مالی آستانه مقدسه و شهر قم در اواخر دوره صفوی، به خصوص کتابچه جمع و خرج مستوفی وقت، میرزا ابراهیم ولد میرزا جعفر، تحت عنوان «دفتر خلد سرکار فیض آثار»، شامل مبلغ نقد و جنس موقوفات اعم از درآمد حاصله از مزارع، مستغلات و مخارج، مانند هزینه تعمیرات، حق التولیه و مواجب حافظ، خادم و غیره نشان می‌دهد که در این زمان آستانه مقدسه تشکیلات منظمی داشته است (روستایی/احمدی رهبران، ۱۳۹۶: ۵۸-۸۱).

همچنین اسناد اداری — مالی دوره قاجاریه نشان می‌دهد که در این زمان به دلیل وجود امنیت و تداوم رویکرد مذهبی عصر صفوی، توسط پادشاهان قاجار به اماکن مذهبی، تشکیلات آستانه مقدسه دگرباره بعد

از اشغال کشور به دست افغان‌ها (۱۳۴۱ق)، از سجام خود را به دست آورد؛ به گونه‌ای که احکام خدمت و مقدار مواجب خدمتگزاران از طرف شاه یا حاکم وقت شهر صادر می‌شد و کسی بدون حکم، حق نداشت در حرم خدمت کند. علاوه بر این، در دوره آستانه، برای حفظ انسجام، به بازماندگان خدمتگزاران مستمری پرداخت می‌کرد، پدیده‌ای جالب توجه که بسیاری از کارگزاران اداره‌های دولتی از آن محروم بودند.

همچنین اسناد نشان می‌دهد انقلاب مشروطه و اصلاحات آمرانه حکومت پهلوی تأثیر به‌سزایی در تشکیلات اداری گذاشت، به گونه‌ای که در این دوره تشکیلات آستانه به لحاظ اداری دگرگون شد.

مقاله حاضر در صدد است بر اساس واکاوی اسناد بازخوانی شده در مرکز اسناد فاطمی، تشکیلات اداری و مالی خدمتگزاران حرم مطهر در طول حکومت قاجاریه و پهلوی، شامل چگونگی استخدام و تأمین و توزیع منابع مالی، تعدد مشاغل و از همه مهم‌تر تأثیر انقلاب مشروطه و تجدّدخواهی دوره پهلوی را در ایجاد تغییر و تحول اداری آستانه مقدسه، مورد بحث قرار دهد.

۲. پیشینه تحقیق

راجع به تشکیلات اداری آستانه مقدسه به صورت مستقل پژوهشی انجام نگرفته است، اما در محدوده موضوع این مقاله آثار متعددی وجود دارد که می‌توان آنها را در چند محور دسته‌بندی کرد.

نخست آثار چو کتاب تاریخ مذهبی قم، اثر علی اصغر فقیهی، قم از ابتدای دوره قاجاریه تا مشروطه، نوشته حسین قریشی، تاریخ متولیان قم، اثر حمید رضایی و راهنمای قم، نوشته علی اکبر برقی که به صورت کلی به تشکیلات اداری، کشیک‌ها،

دستورالعمل‌های حکومت پهلوی برای ایجاد تغییر در آستانه مقدسه پرداخته‌اند.

دسته دیگر کتاب‌هایی است که به قسمتی از اسناد آستانه مقدسه چون اسناد جمع و خرج و فرمان‌های دولتی درباره متولیان شرعی اشاره کرده است، از جمله *قم‌نامه* و *تربت پاکان*، اثر حسین مدرسی طباطبایی، *گنجینه آثار قم*، نوشته عباس فیض و *کتابچه سیاقیه یا جمع و خرج آستانه مقدس حضرت فاطمه معصومه (س)*، نوشته محسن روستایی و حسین احمدی رهبریان است که در آنها پاره‌ای از اسناد مالی آستانه به خط سیاق از دوره افغان‌ها تا پایان دوره قاجار شامل جمع و خرج، برات‌ها و هزینه‌های تعمیرات بازخوانی شده است.

دسته سوم اسناد مهم بازخوانی شده مرکز اسناد آستانه مقدسه فاطمی^۱ شامل فرمان‌ها، مشاغل، اسناد مالی، لیست خدمتگزاران، مدفونین، مقبره‌دارها و غیره است که بعد از تأسیس این مرکز بازخوانی شده و هنوز به طور شایسته مورد پژوهش واقع نشده است، بنابراین مقاله حاضر، با توجه به اسناد نویافته، درک و شناخت بی‌واسطه و صحیح‌تری از دگرگونی‌های دستگاه دیوانی ایران در نوع سنت‌های آرامگاهی را ارائه می‌نماید، فرایندی که به خاطر عدم دسترسی و توجه به اسناد مرکز اسناد فاطمی در آثار نویسندگان و پژوهشگران قم شناسی، کمتر دیده شده است. از این رو این مقاله ضمن توجه و اهتمام ویژه به سنت آرامگاهی، از نخستین پژوهشهایی است که به صورت خاص و موردی، تشکیلات اداری آستان مقدس را بررسی کرده است.

۳. تشکیلات آستانه مقدسه در دوره قاجاریه

آستانه مقدسه به‌خاطر ماهیت مذهبی و توجه وافر شیعیان و بعضی از حکومت‌ها، یکی از کهن‌ترین تشکیلات اداری، اقتصادی و فرهنگی کشور را دارد، مجموعه‌ای که با وجود تغییرات بنیادی در اداره کشور، به‌خاطر جنگ، تنش‌های سیاسی و قحطی‌ها، کماکان تداوم حیات داده است، به‌گونه‌ای که می‌توان آن را بازتاب بلندمدت تاریخ اجتماعی کشور در وجوه مختلف چون هنر و معماری، مسائل مذهبی و اقتصادی به شمار آورد.

متأسفانه اطلاعات موجود از تشکیلات حرم مطهر تا دوره صفوی اندک و محدود به چند فرمان از سلاطین آق‌قویونلو است، لیکن اشاره نویسندگانی چون عبدالجلیل قزوینی رازی در قرن ششم، به وجود مساجد، مدارس بزرگ، موقوفات، حلقه‌های درس، زینت‌های مجلل حرم مطهر و توجه سلاطین، وزیران و اُمراء معتقد به «آثار خیرات و انوار برکات» نشان‌دهنده وجود تشکیلات اداری در آستانه مقدسه در این زمان است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۹۴-۱۹۸). در این زمینه مهم‌ترین سند، فرمان جهان شاه قراقویونلو در تفویض نقابت به سید نظام‌الدین بن سلطان احمد در سال ۸۶۷ق/ ۱۴۶۳م است که در آن به‌صورت کلی به وظایف و حدود اختیارات نقیب شهر قم، چون نصب موروثی نقابت سادات، تولیت اوقاف روضه منوره و تربت مقدسه امامزادگان، حضرت معصومه بنت‌الامام، سنی فاطمه علیهما سلام، چگونگی مصرف محصول موقوفات، بازسازی و آبادانی و حفظ اموال مرقد، حق عزل و نصب خادمان و مشرفان، پرداخت حقوق سادات (خدمتگزاران) برحسب اختلاف مراتب،

حق‌النقابه و حق‌التولیة اشاره شده است. افزون بر این در کتاب تربت پاکان فرمان‌الوندیگ آق‌قویونلو به سال ۹۰۴ق/ ۱۴۹۹م آمده است: «به دستوری که در فرامین سلاطین مذکورین مسطور است، از موقوفات مشهدين منورين و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران اخراجات و حقوق دیوانیه نمی‌گرفته‌اند و برایشان معاف و مسلم بود و تا غایت استمرار یافته، به همان دستور معاف و مسلم و ترخان^۱ (Tarkhan) و مرفوع‌القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی را در مواشی و مراعی و تمغا نستانند و برزگران ایشان را بیگار و شکار نفرمایند و قبحور نستانند و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را به امضاء مقرون شمرده و در کل ابواب رعایت و مراقبت واجب دانند» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۵: ۲۱۶).

به معنای دیگر در این دوره نقبای قم در کنار سرپرستی علویان و طالبیان، تولیت موقوفات آستانه مقدسه، امام‌زادگان و مسجد حضرت امام حسن (ع) را برعهده داشتند و با درآمد آن، امور سادات شامل ثبت دقیق شجره، تولد، وفات، ازدواج، اشتغال و آبادانی مزارات و مسجدها را تأمین می‌کردند (رضایی، ۱۳۸۴: ۶۲، ۲۴۳).

در این میان شاهان صفوی به‌خاطر ماهیت مذهبی، بیش از دیگران به مقابر و امامزادگان توجه داشتند، آنها در کنار بازسازی اماکن مذهبی، املاک و مزارع زیادی را وقف حرم مطهر کردند، به‌گونه‌ای که در این دوره موقوفات آستانه مقدسه دو چندان شد (رضایی، ۱۳۸۴: الف: ۲۵۲).

از دیگر تحولات اداری آستانه در دوره صفویه،

تعیین تولیت از طرف دیوان صدارت بود تا در کنار متولیان موروثی که به حکم شرع موقوفات قدیم (شاه‌بیگم بیگم)^۲ را اداره می‌کردند، موقوفات جدید (شاه تهماسبی)^۳ و تشکیلات اداری آستانه را رتق و فتق کنند.

این انتصاب بدون پیامدهای اجتماعی نبود و به خاطر آن تا پایان حکومت قاجاریه بین دو متولی «رسمی و شرعی» رقابت شدیدی در بهره‌مندی از عشر یا یک‌دهم درآمد موقوفات قدیمی به وجود آمد، تا جایی که گاهی آنها برای احقاق حق، به ریش‌سفیدان، حاکمان و عالمان مشهور قم چون میرزا ابوالقاسم قمی (۱۱۵۰-۱۲۳۱ق) مراجعه و از آنها برای رفع مشکل، دادخواهی می‌کردند (مدرسی طباطبایی، بی‌تا: ۳۳۸).

در خصوص این اختلاف، میرزا حسین‌خان افضل‌الملک به نقل از میرزا تقی رضوی از متولیان شرعی نوشته است:

اجداد جناب مستطاب آقا سیدحسین متولی‌باشی حالیه (تولیت رسمی) که جد میرزاخلیل بوده است، با جنازه و نعش سلاطین صفویه از اصفهان به قم می‌آید که سلاطین صفویه را در آستانه مقدسه دفن کند و به تولیت مقبره سلاطین صفوی باقی باشد و موقوفات مقبره صفویه را به مصارف خود رساند. چون چندی در اینجا می‌ماند، نفوذی پیدا می‌کند. البته کسی که از طرف سلاطین صفوی به این شهر بیاید و متولی قبور آباء ایشان باشد، مرجع اهالی این بلد می‌گردد و هر هفته و ماه به دولت صفویه کاغذ می‌نویسد و اطلاعات می‌دهد و خواهش‌ها می‌کند، خلاصه

۳. موقوفاتی که شاه تهماسب با تولیت سادات حسینی وقف حرم مطهر کرد.

۱. لقب فرمانروایان آسیای میانه؛ به معنای امیرانی که پادشاهان آنها را از پاسخگویی به اعمالشان معاف کرده بودند.

۲. موقوفاتی که شاه بیگم بیگم از زنان نامدار صفوی در زمان شاه اسماعیل وقف حرم مطهر کرده است، متولی این موقوفات در دوره قاجار سادات رضوی بودند.

وقتی که او به این شهر آمد و متولی مقبره سلاطین صفوی بود، به خیال آن افتاد که تولیت آستانه مقدسه را تصرف کند، لهذا به اصفهان شرح‌ها نوشت و اغتشاشات امور آستانه و بی‌نظمی موقوفات را نگاشت تا اینکه از جانب سلاطین صفوی فرمان تولیت عرفی برای او رسید» (به نقل از افضل‌الملک، ۱۳۸۴: ۶۹).

اشاره گردید که پادشاهان قاجار برای ایجاد مشروعیت دینی، خود را ادامه‌دهنده حکومت صفوی می‌دانستند و سعی می‌کردند همچون آنها خود را پادشاه اسلام معرفی نمایند؛ به همین منظور آقامحمدخان برای تاج‌گذاری (۱۲۱۰ق/ ۱۷۹۶م)، با بستن شمشیر متبرک به مرقد شیخ صفی‌الدین اردبیلی حمایت خود را از مذهب تشیع اعلام کرد (نقیسی، ۱۳۸۳: ۵۱/۱). فتح‌علی‌شاه و شاهان بعد از او نیز به‌عنوان پادشاه شیعه، علاوه بر کمک مالی به روحانیون، بسیاری از اماکن مذهبی تشیع، به‌ویژه حرم حضرت معصومه (س) را بازسازی کردند. فرمان‌ها و احکام صادره برای انتصاب تولیت حرم مطهر توسط قاجاریه نشان‌دهنده توجه خاص آنها به تشکیلات آستانه است. در این دوره، اداره حرم در اختیار سادات رضوی و حسینی بود و باتوجه به عرف حاکم و صدور فرمان خدمت از طرف شاهان و حکام، به‌غیر از این خاندان هیچ‌کسی حق اشتغال در حرم را نداشت و اگر کسی از تولیت درخواست شغل می‌کرد، تولیت با استناد به این عرف ممانعت به عمل می‌آورد (مامف، ۱۳۹۸: ۱۱/۹۰۰۲۹۸). بنابراین بعد از انتخاب سیدمیرزا حبیب موسوی العاملی کرکی در سال ۱۰۴۲ق تا زمان محمدباقر متولی‌باشی تشکیلات اداری آستانه مقدسه متشکل از دو قسمت، به ترتیب اداره تولیت و اداره حرم بود، قسمت نخست در اختیار سادات حسینی بود که در آن

سیاست‌های مالی و اجتماعی آستانه توسط دوایر زیر تعیین و پیگیری می‌شد.

تولیت: کسی که اداره موقوفات و تشکیلات را برعهده داشت. در دوره قاجاریه میرزا سیدمهدی (۱۲۱۹ق)، میرزا سیدمحمد (۱۲۲۷ق)، میرزا سیداسدالله (۱۳۴۸ق)، میرزا محمدرضا (۱۲۷۳ق)، میرزا حسین (۱۳۱۷ق) و محمد باقی متولی‌باشی (۱۳۱۹ش) به صورت موروثی تولیت آستانه مقدسه را برعهده داشتند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۹۴-۲۱۹).

نایب یا جانشین تولیت: کسی که به نیابت از تولیت، تشکیلات آستانه را اداره می‌کرد.

مستوفی: آنها جزو دیوانیان دولت به حساب می‌آمدند و موظف بودند جمع و خرج آستانه یا بودجه سالانه را تنظیم نمایند. مستوفی‌ها خیلی قدرتمند بودند و حتی در صورت لزوم می‌توانستند تولیت را بازخواست نمایند.

مشرف: کسی که وظیفه نگهداری و تنظیم دفتر ثبت اسناد و هدایا را برعهده داشت (مامف، ۱۳۲۲: ۱۱/۲۳۲۱۷).
مهره‌دار: کسی که وظیفه نگهداری مهرهای مختلف تولیت را داشت، این عنوان فقط در اسناد جمع و خرج سال ۱۱۳۹ق یعنی در زمان اشغال کشور توسط افغان‌ها وجود دارد. در دوره قاجاریه این منصب به‌خاطر تشریفاتی بودن حذف شده است (روستایی/احمدی رهبران، ۱۳۹۶: ۵۷).

تحویلدار: معادل صاحب جمع، خزانه‌دار یا گنجینه‌دار، خزانه در زبان فارسی به معنای محلی که اموال گران‌قیمت و نقود نگهداری می‌شود. این شغل از مشاغل حساس و مهم آستانه مقدسه بود و در بیشتر اسناد مالی به آن اشاره شده است، علاوه بر نگهداری و حراست از اموال، وظیفه داشت وجوه نقدی چون

هدایای نقدی از زیارت کنندگان و اجاره نقدی حاصل از دکان‌ها، حمام‌ها، یخچال‌ها، خان‌ها و مزارع را مطابق اسناد خزانه‌دار و مستوفی جمع نموده و قبض صادر نماید.

در دوره قاجار و پیش از آن، خزانه آستانه مقدسه در ضلع شمال شرقی مرقد (سمت راست در طلا از داخل به خارج) قرار داشت. اعتمادالسلطنه در مورد اهمیت خزانه نوشته است:

شاه را اغوا نمودم که خزانه حضرت را ببیند که به‌مرور دهور از میان نرود، اگرچه رفته است، اما باز اشیاء نفیس هست، از قبیل کلاه‌خود و زره و بعضی اسلحه مرصع که متعلق به حسن‌قلی خان برادر صلیبی و بطنی فتحعلی‌شاه بود (قاضی‌ها، ۱۳۸۱: ۴۱).^۱

در این خصوص در سفرنامه معیرالممالک آمده است:

از داخل صبح روز دوم، شاه برای دیدن خزانه رفت. ایوان طلا را برای پذیرایی آماده ساخته و برکفش، فرش‌های گران‌بها گسترده بودند، چون اشیاء در انباری تاریکی نگهداری می‌شد، متوکی‌باشی با دستار بزرگ و شکم بزرگ‌تر از دستار و عبای فراخ، پیایی به درون اتاق می‌رفت و به مدد روشنایی چراغ نفتی کیسه‌های ماهوت قرمز محتوی نفایس را نفس‌زنان می‌آورد و مهر از سر آنها برمی‌گرفت، قرآن‌های نفیس و کتب زیبای دیگر، شمشیر، قمه، خنجرهای دسته مرصع با نیام‌های جواهرنشان و انواع زری و پارچه‌های گران‌بها بسیار بود و در آن میان قالیچه و سراندازهای مقبره شاه‌عباس جلوه می‌کرد، متوکی‌باشی به عرض رسانید که دو تن ارمنی قالیچه را سی‌هزار تومان خریدارند. شاه ابروها را درهم‌کشیده گفت نفایس تاریخی به‌هیچ‌وجه من‌الوجه نباید از دست

داد و باید در نگهداری آنها از جان و دل کوشید (قاضی‌ها، ۱۳۸۱: ۱۵۹).^۲

یکی دیگر از وظایف خزانه‌دار، نگهداری کلید ضریح و باز و بسته کردن آن به هنگام غبارروبی و برگزاری مراسم سالانه بود، از این رو در اسناد از او به نام کلیددار نام برده شده است، علاوه بر این هرکدام از درهای داخل حرم کلیددار مخصوصی داشت که احکام آنها از طرف شاه وقت صادر می‌شد (مامف، ۱۱/۲۳۲۳۳).

تحصیل‌دار: افرادی که زیر نظر خزانه‌دار، اجاره‌ها را از مستأجرین دریافت می‌کردند.

مباشر: معاون، ناظر، نایب کسی که از طرف تولیت وظیفه داشت، امور اداری آستانه مقدسه را در ادارات دولتی و دفاتر اسناد پیگیری نماید. سید قاسم فروغی از معروف‌ترین مبشران آستانه مقدسه در اواخر دوره قاجاریه و پهلوی اول است که به هنگام بیماری شدید (مشکل اعصاب و درد پا) محمداقبر متوکی‌باشی، امور مربوطه را پیگیری می‌کرد (مامف، ۱۱/۲۹۶۲).

سرکار خاصه شریفه: مترادف ناظر بیوتات، این منصب جزو مناصب درباری صفویان به شمار می‌آمد و متصدی آن وظیفه داشت بر کارگاه‌های سلطنتی تهیه ملزومات چون خوراک، پوشاک و تسهیلات نظامی نظارت نماید (امین‌نژاد نجفیان، مهدی عباس‌آباد، ۱۳۸۹: ۱۳). در اسناد آستانه مقدسه این عنوان فقط در سند جمع و خرج سال ۱۱۳۹ ق آمده است (روستایی/احمدی رهبریان، ۱۳۹۶: ۶۳). بنابراین او نیز مثل سرکار خاصه شریفه دربار، ملزومات مورد نیاز آستانه مقدسه را تأمین می‌کرد.

سرکار عمارات یا معمارباشی: معمار خبره یا

۱. سفرنامه اعتمادالسلطنه به قم (فصل ششم کتاب خاطرات ناصرالدین شاه به قم).

۲. سفرنامه معیرالممالک به قم (فصل ششم کتاب خاطرات ناصرالدین شاه به قم).

رئیس معماران آستانه، کسی که با پیش‌بینی هزینه، نقشه‌کشی و نظارت، پروژه‌های عمرانی آستانه را مدیریت می‌کرد (مامف، ۱۱/۲۳۵۹۶). باتوجه به اینکه مهارت معمارباشی جزو مهارت‌های هنری بود، این منصب موروثی نبود و در زمان‌های مختلف از بین بهترین معماران شهر قم انتخاب می‌گردید، به‌غیر از او چندین معمار، بنا و عمله در حرم مشغول به کار بودند، شغل آنها نیز موروثی نبود و به صورت روزمزد حقوق دریافت می‌کردند (مامف، ۱۱/۱۰۰۴۳).

سرکار زراعت یا مقتی باشی: همان‌طور که از نام آن پیداست، وظیفه نظارت و رسیدگی به مزارع زراعی آستانه را داشت و فقط به این عنوان، در اسناد مربوط به اواخر دوره صفوی سال ۱۱۴۸ق اشاره شده است (روستایی / احمدی رهبریان، ۱۳۹۶: ۸۱). در این دوره او وظیفه حفاظت، تنقیه و برآورد هزینه احداث یا تعمیر قنوات آستانه را برعهده داشت، علاوه بر این وظیفه داشت به هنگام اختلاف اهالی دو محل بر سر استفاده از آب قنات، نظر کارشناسی خود را برای رفع اختلاف ارائه نماید (مامف، ۱۱/۸۴۳۵).

دهبان یا کدخدای: فردی که به‌عنوان نماینده آستانه موقوفات زراعی مانند ده شیر و پرچین زنجان، تبرته آستانه مرکزی، خمه الیگودرز و گازران قم را مدیریت می‌کرد، علاوه بر این او وظیفه داشت به‌عنوان نماینده آستانه مقدار اجاره را تعیین و آن را جمع‌آوری نموده و مشکلات پیش‌آمده در روستاهای یاد شده با ادارات دولتی و خوانین منطقه را حل و فصل نماید (مامف، ۱۱/۲۴۲۴۴).

باغبان خیابان: مترداف گل‌کار، محافظ باغ، در آستانه مقدسه، کسی که وظیفه محافظت از درختان صحنین (فیضیه، دارالشفاء و بست) را به عهده داشت،

این شغل با وجود قدمت و اشاره به آن در اسناد جمع و خرج ۱۱۳۹ق، مثل مناصب دیگر سرکار زراعت موروثی نبود (روستایی / احمدی رهبریان، ۱۳۹۶: ۵۷).

قسمت دیگر تشکیلات اداری آستانه مقدسه، اداره حرم‌مطهر بود که از دوره صفوی تا اواخر دوره پهلوی با دوایر زیر تحت عنوان سرکشیک در اختیار سادات رضوی بود.

سرکشیک: به معنای پاس‌بخش یا سرپاسدار، کسی که از جانب تولیت وظیفه داشت، مجموعه حرم را اداره نماید و گزارش فعالیت‌های روزانه کشیک را به تولیت ارائه نماید، براساس اسناد آستانه، تا نیمه دوم دوره قاجاریه حرم‌مطهر با شش و بعد از آن با سه کشیک اداره می‌گردید، اگرچه سرکشیک نماینده تولیت در حرم مطهر بود، اما باتوجه به اینکه آنها متولّی شرعی موقوفات قدیمی بودند و از شاهان قاجاریه حکم خدمت می‌گرفتند، قدرتی کمتر از تولیت نداشتند، ازاین‌رو سرکشیکان و متولیان به‌عنوان رقیب در چگونگی از بهرمندی از موقوفات با هم اختلاف داشتند (مامف، ۱۱/۲۳۲۶۸).

خادم‌باشی: کسی که وظیفه داشت زیر نظر سرکشیک یا در غیاب او فعالیت‌های خدمتگزاران کشیک را هماهنگ نماید (مامف، ۱۱/۲۳۲۷۲).

خادم: مجموعه نیروهای عادی که وظیفه داشتند براساس احکام موروثی زیر نظر سرکشیک یا خادم‌باشی در محل‌های مختلف مانند طواف گاه، قسمت بالاسر حضرت، رواق مردانه و زنانه، ایوان‌ها و ورودی‌ها خدمت نمایند (مامف، ۱۱/۲۳۴۹۹).

صدرالحفاظ و حافظ: در تاریخ اسلام کسانی که قرآن مجید را حفظ بودند حافظ نامیده می‌شدند، از جمله آنها می‌توان به حافظ ابن جوزی در قرن ۶

هجری و حافظ شمس‌الدین محمد شاعر بزرگ ایرانی در قرن ۸ اشاره کرد. در آستانه مقدسه نیز شغل حافظ‌ی از مناصب معتبر و قابل احترام بود، آنها وظیفه داشتند در کشیک‌های تعریف شده در ایوان حفاظ (انتهای ایوان طلا) قرآن مجید را برحسب درخواست زیارت‌کنندگان یا افرادی که نذر ختم یا سوره‌ای از قرآن را داشتند، تلاوت نمایند (مامف، ۱۱/۲۳۱۱۴).

فرآش با شی و فرآش: فرآش مترادف پیشخدمت، پیشکار، مستخدم، ملازم، نوکر است، در آستانه مقدسه کسی که وظیفه نظافت و مفروش کردن فرش‌های رواق‌ها یا به طور کلی نظافت رواق و صحنین را برعهده داشت، فرآش و به مسئول آنها فرآش‌باشی می‌گفتند، فرآش‌باشی با حکم موروثی و زیر نظر سرکشیک فعالیت داشت، از جمله مناصب مربوط به فرآش‌ها می‌توان به فرآش طواف گاه، فرآش درون مرقد و صحنین اشاره نمود. نقطه جالب توجه اشاره به نام خانمی به نام خدیجه بیگم به عنوان فرآش درون مرقد در اسناد جمع و خرج سال ۱۱۳۹ق است، به نظر می‌رسد این شغل با توجه به بانو بودن حضرت معصومه (س) اختصاص به خانم‌ها داشته است (مامف، ۱۱/۲۳۶۰۴).

مدرسه‌بان: مترادف سرایدار، کسی که وظیفه داشت امور خدماتی مدرسه فیضیه را به عنوان یکی از صحن‌های حرم مطهر چون بازو بسته کردن درها، نظافت و آبیاری باغچه‌ها را انجام دهد، این پست نیز در دوره قاجاریه موروثی و در اختیار خاندان سادات فروغی بود (مامف، ۱۱/۹۰۰۳۵۱).

قاپوچی: کلمه ترکی متشکل از قاپو (در) و پسوند «چی» می‌باشد، در آستانه مقدسه به کسی که وظیفه نگهبانی ورودی‌ها را برعهده داشت قاپوچی، حاجب یا دربان گفته می‌شد (مامف، ۱۱/۲۳۴۷۵).

روضه‌خوان و زیارت‌نامه‌خوان مردانه و زنانه:

افرادی که وظیفه داشتند در رواق‌های مردانه و زنانه در عوض هدایای دریافتی از زیارت‌کنندگان، زیارت‌نامه حضرت معصومه (س) یا روضه امامان (ع) مورد نظر سفارش‌دهنده را بخوانند (مامف، ۱۱/۲۳۱۶۷). این منصب در دوره قاجاریه به‌خاطر بی سواد بودن بیشتر مردم از مناصب مهم آستانه به حساب می‌آمد. نقطه جالب توجه در اسناد، اشاره به عزت نساءخانم به عنوان زیارت‌نامه‌خوان قسمت زنانه است، این موضوع از این جهت مهم است که در دوره‌هایی که خانم‌ها محدودیت زیادی داشتند، آستانه مقدسه منصبی برای خانم‌ها اختصاص داده بود (مامف، ۱۱/۹۰۰۱۰۹).

چراغچی: نوکر یا خدمتگزاری که مأمور روشن کردن چراغ‌ها را برعهده داشت، این منصب از مناصب قدیمی بود (مامف، ۱۱/۲۳۰۴۱). به غیر از حرم مطهر، در ساختار اداری شهرها چراغچی وجود داشت، چراغچی‌های شهر وظیفه داشتند چراغ‌های شمع‌سوز یا هر چراغی دیگر را به هنگام شب در میدان‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها روشن نمایند، در حرم مطهر وظیفه چراغچی تأمین، تعمیر و استفاده از وسایل روشنایی مانند چراغ و چلچراغ (لوستر روغن‌سوز) و غیره برای تولید نور در شب بود. این حرفه با خرید موتوربرق زغال سوز در زمان احمد شاه قاجار و نصب آن در کوچه چراغ برق به واحد برق تغییر کرد (۱۱/۹۰۰۱۲۰). از آخرین چراغچی محلات شهر قم می‌توان به «رستم مطلبی» چراغچی کوچه کلاه‌فرنگی و «مشهدی محمدعلی سپاسی» چراغچی دروازه معصومیه و پل علی‌خانی اشاره کرد (طالبی‌نژاد، مصاحبه: ۱۳۸۰/۲/۱).

مشعل‌دار: مترادف مشعل‌کش و مشعل‌چی، کسی

که وظیفه داشت در مراسم‌های مختلف به‌خصوص

مراسم عزاداری یا ورود رجال سیاسی مشعل را پیشاپیش گروه حمل نماید (روستایی/ احمدی رهبران، ۱۳۹۶: ۴۰-۴۶).

بخورسوز: مترادف بخورسوزچی، در حرم مطهر خدمتگزاری که با استفاده از موادی چون عود، اسفند و انواع دانه‌های گیاهی فضای داخلی حرم را خوشبو می‌کرد (مامف، ۱۱/ ۲۳۱۳۱).

کتابدار: دارنده کتاب یا فردی که قرآن‌ها، زیارت‌نامه‌ها و کتاب‌های کتابخانه حرم را در اختیار متقاضیان قرار می‌داد (روستایی/ احمدی رهبران، ۱۳۹۶: ۶۷).

صحاف: کسی که وظیفه داشت کتاب‌های فرسوده حرم را مجلد و بازسازی نماید (مامف، ۱۱/ ۲۳۶۰۴).

سقا: مترادف سقایت کردن، آب فروختن، خادمی که وظیفه داشت با استفاده از مشک و دلو چرمی سنگ آب‌های صحنین را با انتقال آب از انهار و آب‌انبارهای اطراف پر نماید، یا اینکه آب را در بین مردم توزیع کند (مامف، ۱۱/ ۳۰۰۸۴۴).

ساعت‌ساز: پیشینه این حرفه در آستانه مقدسه به نصب اولین ساعت مکانیکی یعنی ساعت اهدائی «میرزا علی مشکاة‌الملک» در سال ۱۲۷۸ قمری برمی‌گردد (مامف، ۱۱/ ۳۰۸).

مدرس: این منصب به روحانیونی از سادات رضوی اختصاص داشت. مدرس وظیفه داشت علاوه بر تدریس علوم دینی به طلاب علاقه‌مند در مراسم‌های مختلف با نقل آیات قرآن، روایات و فضایل ائمه سخنرانی نماید (مامف، ۱۱/ ۲۳۴۸۰).

مؤذن: مسئول گفتن اذان در مناره‌های آستانه «آقاقی کمالی» یکی از اذان‌گوهای حرم مطهر در دوره قاجاریه و پهلوی بود، او وظیفه داشت پیش از نماز

از روی گلدسته شمال شرقی صحن اتابکی اذان بگوید (مامف، ۱۱/ ۳۳۸۴).

پیش‌نماز: به معنای امام جماعت، مقتدا، کسی که در نماز جماعت مردم به او اقتدا می‌نمایند، باتوجه به برگزاری هم‌زمان نماز جماعت در شبستان‌ها و رواق‌های مختلف مسجد امام حسن عسکری (ع) و حرم مطهر، در دوره قاجاریه و پهلوی، چندین امام برای اقامه نماز جماعت وجود داشت (روستایی/ احمدی رهبران، ۱۳۹۶: ۳۹، ۱۴۳).

همان‌طور که اشاره گردید، خدمتگزاری در آستانه مقدسه، موروثی و در اختیار سادات رضوی و حسینی بود، روندی که طی چند قرن در آستانه حاکم بود و بر اساس عرف رایج می‌بایست همه خدمتگزاران، سادات باشند، اما بررسی لیست مالی و اداری نشان می‌دهد در جمع آنها غیر سید نیز به دلایل زیر در شمار خدمتگزاران بودند:

دلیل نخست همان موروثی بودن خدمت در این بارگاه بود، به بیان دیگر به جای خدمتگزاران فاقد فرزند پسر، فرزندان دختری آنها که از سادات نبودند در حرم مشغول می‌شدند، حتی بعضی از این افراد برای جلوگیری از شهادت خدمتگزاران موروثی از نام خانوادگی مادر استفاده می‌کردند (عاقل‌شعار، مصاحبه، ۱۳۹۶/ ۱۱/ ۱۰).

دلیل بعدی غیر سید بودن خدمتگزاران، فرزندان مستوفیان دولتی بود، مستوفیانی که برای نظارت و رسیدگی مالی در آستانه از شهرهای دیگر به قم آمده و باتوجه به نفوذ سیاسی، فرزندان خود را در آستانه استخدام می‌کردند.

به نظر می‌رسد در دوره قاجاریه تشکیلات آستان قدس رضوی تأثیر بسزایی در تغییر و دگرگونی اداری

آستانه مقدسه داشت، به گونه‌ای که بعد از اجرایی شدن بعضی از دستورالعمل‌ها چون اعطای القاب به سرکشیگان مشهد مقدس، تحت عنوان نایب‌التولیه، ناظم‌التولیه، امین‌التولیه، اعتمادالتولیه، سراج‌التولیه، لسان‌التولیه، انتظام‌التولیه و مشیرالتولیه، ناصرالتولیه (حسن‌آبادی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۴). سرکشیگان حرم حضرت معصومه (س) نیز از این القاب استفاده کرده‌اند (روستایی، احمدی رهبریان، ۱۳۹۶: ۲۹). القابی که جنبه تشریفاتی داشتند و با تصویب قانون صدور شناسنامه و الغای القاب در سال ۱۳۰۴ حذف شدند (اشرف، ۱۳۳۸: ۲۷۹).

یکی دیگر از وقایع مهم آستانه مقدسه در اواخر دوره قاجار به مهاجرت کبری از جانب عالمان مشروطه‌خواه از تهران به قم بود، رویداد مهمی که متولّی‌باشی با آن مخالف بود و سعی می‌کرد با خاموش کردن چراغهای حرم یا آزار و اذیت مشروطه‌خواهان از تجمع، سخنرانی و مشق نظامی آنها در حرم و شهر جلوگیری نماید (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۴۸۳، ۵۳۷). در پاسخ به این اقدامات، مشروطه‌خواهان، بلافاصله بعد از پیروزی او را از تولیت آستانه عزل کردند. از این رو او ناچار شد برای به دست آوردن موقعیت پیشین خود، با آنها همکاری نماید. به همین منظور او به عنوان همراهی با آرمان‌های انقلاب، اولین مدرسه نوین قم، به نام باقریه را در عمارت فتحعلی‌شاهی حرم مطهر تاسیس کرد (جمراسی، ۱۳۹۹: ۲۲). این مدرسه در آن روزگار برای مردم قم، به دلیل حمایت‌های مالی و معنوی آستانه مقدسه به عنوان یک نهاد دینی بسیار مهم بود، به طوری که مردم قم با وجود مخالفان قدرتمند از فعالیت مدرسه‌های جدید، نه تنها از این مدرسه بلکه از مدرسه‌های دیگر استقبال کردند. مشروطه

خواهان، بلافاصله بعد از پیروزی او را از تولیت آستانه عزل کردند. از این رو او ناچار شد برای به دست آوردن موقعیت پیشین خود، با آنها همکاری نماید. به همین منظور او به عنوان همراهی با آرمان‌های انقلاب، اولین مدرسه نوین قم، به نام باقریه را در عمارت فتحعلی‌شاهی حرم مطهر تاسیس کرد (جمراسی، ۱۳۹۹: ۲۲). این مدرسه در آن روزگار برای مردم قم، به دلیل حمایت‌های مالی و معنوی آستانه مقدسه به عنوان یک نهاد دینی بسیار مهم بود، به طوری که مردم قم با وجود مخالفان قدرتمند از فعالیت مدرسه‌های جدید، نه تنها از این مدرسه بلکه از مدرسه‌های دیگر استقبال کردند.

در تاریخ ایران حکومت پهلوی از جنبه‌ها گوناگون با دولت‌های پیشین متفاوت بود، از جمله آن که به جای سنت‌های دینی به ناسیونالیسم جدیدی که متکی بر ملی‌گرایی و دستاوردهای غربی بود توجه داشت و سعی می‌کرد با اتکا به ارتش، دیوان‌سالاری و حکومت متمرکز عوامل احتمالی ناکامی اهداف و برنامه‌های خود یعنی نهادهای فرهنگی و دینی را در کنترل داشته باشد.

پهلوی اول برای شروع، اداره‌های دولتی چون اداره حکومت قم، اوقاف، دارایی، عدلیه، معارف و امنیه را تقویت کرد، به طوری که این اداره‌ها به عنوان بازوی اجرایی دولت، به غیر از مقامات بالاتر دولتی به فرد دیگری پاسخگو نبودند، از این رو متولّی‌باشی و سایر ملّاکین ناچار بودند برخلاف میل باطنی با برنامه‌های دولت همراهی نمایند. در قم، محمدباقر متولّی‌باشی که پیش از این به دلیل مبارزه با مشروطه‌خواهان دستگیر و به تهران تبعید شده بود، به خوبی می‌دانست که نباید در برابر اقدامات و اصلاحات آمرانه رضاشاه چون تعیین نام خانوادگی، لباس متحدالشکل خدمتگزاران،

دخالت اداره مالیه در امور موقوفات که از آرمان های مشروطه خواهان بود، اعتراض نماید (مامف، ۹۰۰۱۳۲/۱۱). علاوه بر این در طول حکومت رضاشاه، متولی باشی همچون فرزندش، حسین معروف به سالارالتولیه (۱۳۲۲) به دلیل بیماری اعصاب و درد پا زمین گیر بود، به گونه ای که توانایی زیارت حرم یا انجام بعضی فرایض دینی چون روزه را نداشت و ناچار بود با نامه نگاری زیاد (حداقل روزی ده نامه) تحت عنوان احوالپرسی، تبریک عید و غیره (مامف، ۹۰۰۲۴۸/۱۱). با رجال سیاسی با نفوذی چون عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار، محمدحسین اعتضادالدوله امام جمعه و نماینده مجلس سنا، فیروز میرزا قاجار، میرزاهاشم وکیل عدلیه مرکز و از همه مهم تر آقای میرزا علی حق نویس نماینده مجلس انتصابی دوره اول و دوم سنا و نماینده دوره ششم مجلس شورای ملی قم، برای پیشبرد اهداف خود، نامه نگاری نماید (مامف، ۹۰۰۱۳۳/۱۱). به معنای دیگر او در برابر اقدامات اداره های قم در محدودسازی قدرت تولیت آستانه چون تسطیح قبرستان کهنه توسط بلدیه، به غیر از نامه نگاری و خواهش، نمی توانست اقدامی دیگری انجام دهد (مامف، ۹۰۰۱۳۴/۲۱/۱۱).

تصویب قانون لباس متحدالشکل ایرانی در سال ۱۳۰۷ اولین چالش آستانه برای ایجاد تغییر در این زمان بود، موضوعی که تولیت حرم مطهر و خدمتگزاران، آن را مغایر با شئونات معنوی حرم می دانستند، تا جایی که محمدباقر متولی باشی به نمایندگی از خدمتگزاران به رضاشاه و بسیاری از سیاستمداران چون عبدالحسین تیمورتاش و بعضی از نمایندگان نامه نوشت و از آنها خواست خدمتگزاران را از پوشیدن لباس متحدالشکل معاف نمایند اما توفیقی جز اینکه خودش به عنوان رئیس روحانی

خدمتگزاران از قانون معاف باشد، به دست نیاورد (مامف، ۹۰۰۱۳۲/۱۱).

اقدام بعدی و بسیار مهم در ایجاد دگرگونی، ابلاغ نظام نامه اداری از طرف علی اصغر خان حکمت وزیر معارف و اوقاف و اوقاف رضا شاه برای نظارت بیشتر در امور جاری آستانه در سال ۱۳۱۶ ش. بود، نظام نامه ای که پیش از این در سال ۱۳۰۷ ش. در آستانه قدس رضوی به اجرا درآمده بود و متولی باشی نیز مثل گذشته آن را به خاطر اجرایی شدن در حرم امام رضا (ع) به اجرا گذاشت (مامف، ۹۰۰۱۳۳/۱۱).

براساس این اساسنامه، تولیت مکلف شد علاوه بر تنظیم نظام نامه داخلی، با هماهنگی اداره اوقاف برای خدمتگزاران شناسنامه عکس دار تهیه و حقوق آنها را بر اساس بودجه مصوب، از طریق بانک های دولتی پرداخت نماید (برقی، ۱۳۱۷: ۱۱۳).

همچنین مقرر گردید تشکیلات آستانه مقدسه اصلاح و با استفاده از چهار شعبه به ترتیب زیر اداره شود:

دفتر آستانه: متشکل از سه نفر تحت عنوان معاون تولیت، مدیر دفتر، محاسب، مباشر تعمیرات و وصول عایدات بود. دفتر وظیفه داشت علاوه بر مدیریت زیرمجموعه های آستانه مقدسه، تمامی عواید مالی اعم از نقد و جنس را جمع آوری و براساس جمع و خرج سالانه بودجه نویسی کند.

موزه آستانه: براساس این آیین نامه، اداره اصلی موزه به اوقاف واگذار شد و مقرر گردید به غیر از مدیر که از طرف وزارت اوقاف انتخاب می شد، شش نفر پلیس از بین خدمتگزاران برای خدمت در سه کشیک انتخاب شوند.

کشیک خانه: براساس آیین نامه ابلاغی اداره

حرم‌مطهر به سه کشیک ۲۴ ساعته تقسیم گردید و مقرر شد در هر کشیک یک سرکشیک، یک نفر ضابط به‌عنوان معاون سرکشیک، بیست و شش نفر خادم و دو پلیس خدمت نمایند (مامف، ۱۳۰۰۸۴۶).

خدمتگزاران کشیک با حذف تمامی عناوین موروثی چون روضه‌خوان، زیارت‌نامه‌خوان، بخورسوز، چراغچی از بین خدمتگزاران موروثی انتخاب شدند، آنها وظیفه داشتند با لباس متحدالشکل علاوه بر انجام وظایف سابق خود یعنی روضه‌خوانی و زیارت‌نامه‌خوانی، نظم کشیک را مراعات نمایند.

تنظیف: دایره تنظیف نیز موظف گردید به اتفاق یک نفر فراش باشی و ۱۱ نفر فراش، بیوتات و صحنین را در سه شیفت نظافت نماید.

علاوه براین آستانه مقدسه ناگزیر گردید هم‌زمان با تخصیص شدن ادارات و سازمان‌های دولتی عده‌ای را جهت خدمت در امور اداری مانند رضانصیری تعمیر کار و تنظیم‌کننده ساعت‌های میکائیکی، کاظم‌حسینی نیروی برق، محمودراد و محمدتقی سپهبدی از مسئولین موزه را به‌عنوان نیروی متخصص استخدام نماید (مامف، ۱۳۰۰۸۴۲).

این فرایند یعنی جایگزینی نیروهای متخصص به‌جای نیروهای سنتی و موروثی، اگرچه در زمان محمدباقر متوکی‌باشی آغاز گردید، اما باتوجه به مخالفت شدید خدمتگزاران موروثی و تعلق خاطر ابوالفضل تولیت به اداره حرم مطهر، با شیوه‌های سنتی، به‌صورت جدی پیگیری نشد. به غیر از این ابوالفضل تولیت به عنوان نماینده مردم قم در مجلس شورای ملی از دوره یازدهم تا هفدهم (۱۳۱۶-۱۳۳۱) تشکیلات آستانه را در اختیار سرکشیک‌ها، کارمندان و خدمتگزاران موروثی قرار داده بود، بالطبع آنها به خاطر تأمین منافع، تمایلی به ایجاد دگرگونی در نظام اداری نداشتند.

ابوالفضل تولیت در این دوره به خاطر حمایت از دکتر مصدق در سال ۱۳۳۱ از تولیت آستانه عزل و به جای او محمد مشکات منصوب شد.

تولیت جدید نیز به دلیل کارشکنی خدمتگزاران و عدم پرداخت اجاره توسط مستأجرین نتوانست بیش از چند ماه در آستانه خدمت کند (روزنامه اطلاعات، ۷۹۷۰، ۱۳۳۱/۰۹/۱۸، ص ۸). بنابر این ابوالفضل تولیت با میانجیگری عالمان قم، دوباره متولی آستانه شد (شروین، ۱۳۷۴: ۲۶۵-۲۸۰). با این وجود به دلیل ادامه سکونت نامبرده در تهران، بحران مدیریت یعنی سوء استفاده کارمندان، خدمتگزاران موروثی و مقبره‌داران مانند دفن بدون اجاره اموات، نپرداختن سهم آستانه از حق‌الدفن و غیره ادامه پیدا کرد (۱۳۰۰۷۷۸).

به سال ۱۳۴۴ ابوالفضل تولیت دوباره به خاطر فعالیت‌های سیاسی کنار گذاشته شد و به جای او محمد مهران (۱۳۴۴-۱۳۴۷) و عبدالوهاب اقبال (۱۳۴۷-۱۳۵۷) به تولیت آستانه منصوب شدند، در این دوره اصلاح ساختار اداری آستانه بیشتر از گذشته پیگیری شد، به‌طوری که بسیاری از خدمتگزاران موروثی، بازنشسته شدند و به جای آنها نیروهای جدیدی برای خدمت در دوائر کارگزینی، حسابداری، املاک، ساختمان، انتظامات، کفشداری، استخدام شدند، حتی برای خدمتگزاران پرونده پرسنلی تهیه شد و برای اولین بار در پرونده آنها گواهی سلامت بهداشتی، سوءپیشینه، مقدار حقوق و مزایای دریافتی و کارنامه آزمون اخلاق لحاظ شد (رضایی، ۱۳۸۴الف: ۲۴۲؛ مامف، ۱۳۰۰۸۴۴).

همچنین در کنار استخدام نیروهای جدید، از نیروهای نظامی بازنشسته برای برقراری نظم استفاده شد (تقدیری، ۱۳۹۱: ۶۹). به نظر می‌رسد باتوجه به آغاز اعتراض‌های سیاسی علیه حکومت پهلوی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و

حمایت ابوالفضل تولیت از این جریانات، تولیت‌های وقت با هماهنگی نیروهای امنیتی، به‌ویژه ساواک، در کنار برقراری نظم، اهداف دیگری چون کنترل فضای اجتماعی حرم مطهر به‌عنوان مرکز تردد روحانیون و انقلابیون داشتند (مامف، ۱۳۰۰۹۲۵). تا جایی که گاهی اوقات به‌نام‌نگاری دوستانه خدمتگزاران حساس و از تجمع افراد تحت عنوان طرف‌داران امام خمینی (ره) در مقبره شیخ فضل‌الله نوری جلوگیری می‌کردند (مامف، ۱۳۰۰۷۳۸).

۴. تطبیق تشکیلات مالی خدمتگزاران در دوره قاجار و پهلوی همان‌طور که اشاره شد، بعد از دوره صفوی آستانه مقدسه دارای تولیت شرعی و رسمی بود، از این‌رو حقوق دیوانی خدمتگزاران به صورت برات از درآمد موقوفات قدیم و جدید بین متولیان شرعی و رسمی به ترتیب اولویت تقسیم می‌گردید، با این توضیح که حقوق خدمتگزاران ثابت نبود و به تناسب وضعیت موقوفات، حقوق آنها سال‌به‌سال تغییر می‌کرد. به معنای دیگر، هر زمان شرایط امنیتی و طبیعی مناسب بود حقوق بیشتر و برعکس این شرایط، حقوق کمتری دریافت می‌کردند. علاوه بر حقوق دیوانی حاصل از موقوفات، تولیت‌ها، تمامی مزارع و دکان‌های آستانه را به‌صورت اجاره در اختیار خدمتگزاران موروثی گذاشته بودند، از این‌رو بسیاری از آنها در کنار فعالیت‌های روزمره فعالیت‌های زراعی یا تجاری داشتند. به‌غیر از موقوفات، آنها درآمد دیگری چون دریافت وجه به‌جای قرآن، زیارت‌نامه و روضه‌خوانی، انجام زیارت نیابتی به جای افراد متمول ساکن شهرهای دیگر داشتند (مامف، ۱۳۰۰۴۷۵؛ ۱۱/۳۰۰۷۹۳). دریافت هدایا از مقامات بلندپایه مذهبی و سیاسی تحت عنوان عطیه، به هنگام زیارت یا عیدی به مناسبت‌هایی چون عید نوروز اعیاد مذهبی (مامف، ۱۳۳۹/۱۱) و درآمد حاصل از دفن اموات

مانند نعش‌کشی، ختم قران، مداحی و نظافت محل قبر از دیگر منابع مالی خدمتگزاران حرم بود (مامف، ۱۳۰۰۸۷۰/۱۱).

علاوه بر درآمد حاصله از فعالیت در کشیک، بعضی از خدمتگزاران خانه‌های خود را به زیارت کنندگان اجاره می‌دادند و از این طریق مبلغ قابل توجهی دریافت می‌کردند (روستایی/احمدی رهبران، ۱۳۹۷: ۱۸۱، ۷۴). در این زمینه اعتمادالسلطنه نوشته است: «دیشب میرزا حیدر را فرستادم خانه بگیرد، خانه سیدحسن‌نامی که از زیارت‌نامه‌خوان‌های حضرت است گرفته بود، به‌محض ورود صاحب‌خانه در خصوص کم‌وزیاد کرایه گفتگو کرد، روزی سه تومان می‌خواست، آخر به دوازده هزار قطع شد» (قاضی‌ها، ۱۳۸۱: ۲۰۰).

این شیوه تأمین و پرداخت حقوق مشکلات اساسی داشت و افراد سودجو به راحتی با عناوین مختلفی چون انجام تعمیرات ساختمانی فلان قسمت حرم، خرید و فرش، مشکلات خانوادگی، فروش قبر و غیره از زیارت‌کنندگان و مجاوران پول دریافت می‌کردند، حتی گاهی بعضی از افراد بدون توجه به شئونات و موقعیت فرهنگی و اجتماعی حرم مطهر با هم درگیر می‌شدند. این مشکل با وجود اصلاحات مالی در زمان رضا شاه، کماکان تا انتصاب تولیت‌های غیر موروثی ادامه داشت.

به همین دلیل آستانه بعد از انتصاب محمد مهران به تولیت آستانه در سال ۱۳۴۴ بیشتر خدمتگزاران قدیمی خود را بازنشسته کرد و برای تأمین منابع مالی، تغییرات زیادی در شیوه کسب درآمد چون تأسیس دفتر هدایا و نذورات و تعیین داخل ضریح به جای روی ضریح برای واریز هدایای نقدی زیارت‌کنندگان ایجاد کرد؛ به معنای دیگر پیش از این، زیارت‌کنندگان هدایای خود را که بیشتر غیرنقدی بود به‌جای داخل

ضریح به بالای ضریح واریز می‌کردند، این اجناس و مبالغ هر شب بعد از بستن درب‌ها با حضور سرکشیک جمع‌آوری و بعد از کنارگذاشتن عشر تولیت بین افراد تقسیم می‌شد، این دگرگونی در افزایش درآمدهای نقدی بسیار مؤثر بود، تا جایی که بعد از این اتفاق، مبالغ ناشی از ضریح در جایگاه نخست برای پرداخت حقوق بین خدمتگزاران قرار گرفت (مامف، ۱۱/۲۱۰۲۸).

۶. نتیجه

جایگاه و اهمیت آستانه مقدسه به واسطه ابعاد مذهبی و مشروعیت بخشیدن به حکومت‌ها از عصر صفوی در تاریخ ایران پررنگ‌تر شد. سنت‌های آرامگاهی که در ایران اهمیت داشت بعد از این عصر در مناسبات اجتماعی و ظهور تشکیلات اداری آستانه مؤثر بود. نقش سادات رضوی و حسینی که مشمول نظر حاکمان و سلاطین بودند نیز در این راستا است. بنا به اهمیت سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی آستانه در دوره قاجار، تشکیلات اداری وسیعی به وجود آمد (نمودار ۱). اما در دوره پهلوی، باتوجه به سیاست‌های فرهنگی، کنترل نهادهای دینی و نیز تغییر کسب مشروعیت سیاسی از نهاد دین به عنصر ملی‌گرایی از تنوع و تكثر مناصب و مشاغل آستانه به شدت کاسته شد (نمودار ۲). با این وجود، آستانه مقدسه در دوره قاجار و پهلوی مطابق با ساختار دیوانی کشور دارای تشکیلات منسجمی بوده و برخلاف تصور رایج نه تنها حقوق آنها متکی به هدایای واریزی زیارت کنندگان نبود، بلکه براساس بودجه‌ای که توسط مستوفیان اعزامی از دیوان تنظیم می‌شد، پرداخت می‌گردید. به‌غیر از حقوق دیوانی، کارگزاران آستانه با اجازه کردن موقوفات اعم از زراعی، دکان‌ها، خان‌ها و فعالیت‌های روزمره در حرم چون تلاوت قرآن، روضه و زیارت نامه‌خوانی امرار معاش داشتند، از این رو

۵. تطبیق اداره حرم مطهر در دوره قاجار و پهلوی

اشاره شد که اداره حرم در زمان قاجاریه در اختیار سرکشیک‌ها بود و آنها و خدمتگزاران به صورت موروثی در حرم خدمت می‌کردند. این شرایط در زمان پهلوی به تدریج تغییر کرد، در مرحله اول در کنار واگذاری اداره حرم به دفتر تولیت، پوشش خدمتگزاران شامل لباده، پیراهن بلند، عبا، عمامه و کلاه (شکل شماره ۱)، تحت تأثیر اصلاحات آمرانه حکومت پهلوی چون تصویب و اجرای لباس متحدالشکل ایرانیان (منظورالاجاء، ۱۳۸۰: ۳)، الزام دانش‌آموزان به پوشیدن لباس فرم وزارت فرهنگ کشور تحت عنوان لباس معارفی یا فرهنگی (مامف ۱۱/۴۲۱۰)، اجرای آزمون علمی از طلباب علوم دینی و خدمتگزاران مجلس به لباس روحانی به منظور صدور مجوز استفاده از این پوشش تغییر کرد (مامف ۱۱/۴۱۶۱۶؛ ۱۱/۴۱۹۴).

علاوه بر تغییر وضعیت ظاهری، برای اداره حرم دفتر جداگانه‌ای برای ثبت ورود و خروج و مرخصی در نظر گرفته شد، همچنین مقرر شد اگر فردی بدون عذر موجه غیبت کرد، برای او جریمه نقدی و انفصال موقت از خدمت لحاظ شود (برقی، ۱۳۱۷: ۱۱۲).

این اصلاحات در زمان پهلوی دوم با تأکید بر ایجاد نظم بیشتر، به صورت جدی پیگیری شد. در این دوره به جای سرکشیک و معاون سرکشیک، از مدیر و

۱۱/۳۰۰۸۴۶، ۱۱/۳۰۷۶۸، ۱۱/۲۳۱۶۷، ۱۱/۳۰۰۴۷۵،
۱۱/۳۰۰۹۲۵، ۱۱/۲۳۲۳۳، ۱۱/۲۳۴۷۵، ۱۱/۲۳۴۹۹،
۱۱/۲۳۲۱۷، ۱۱/۲۳۰۳۴۱، ۱۱/۲۳۱۱۴، ۱۱/۹۰۰۱۰۹،
۱۱/۹۰۰۱۲۰، ۱۱/۲۳۶۰۴، ۱۱/۹۰۰۳۵۱، ۱۱/۹۰۰۱۳۲،
۱۱/۹۰۰۲۹۸، ۱۱/۹۰۰۲۴۸، ۱۱/۲۳۲۶۸، ۱۱/۲۹۶۲،
۱۱/۴۱۸۲، ۱۱/۳۳۲، ۱۱/۳۰۸، ۱۱/۳۳۸۴، ۱۱/۲۴۲۴۴،
۱۱/۴۱۹۴، ۱۱/۳۳۳۹، ۱۱/۴۲۱۰، ۱۱/۹۰۰۱۳۴/۲۱،
۱۱/۳۰۰۸۴۶.

ابطحی اصفهانی، سید محمدعلی (۱۳۴۸). *تهذیب المقال فی تنقیح الرجال*. بی جا.

اشرف، احمد (۱۳۶۸). *لقب و عنوان، در زمینه ایران شناسی*. به کوشش چنگیز پهلوان. تهران: بهنگار.

افضل الملک، غلامحسین خان (۱۳۸۴). *سفرنامه*. قم: زائر.

برقعی، علی اکبر (۱۳۱۷). *راهنمای قم*. قم: مهر استوار.

جمراسی، احمد (۱۳۹۹). «سیر عمارت فتحعلی شاهي شهر قم در اسناد». تهران، نشریه علمی دانشجویان باستان شناسی دانشگاه تهران (باستان پژوه)، سال نوزدهم و بیستم، شماره ۶. ۷ (پیاپی ۲۴ و ۲۵) ص ۲۲-۲۷.

حسن آبادی، ابوالفضل، القاب و عناوین در آستان قدس رضوی، Dev.razavi.ir، ۱۳۹۲/۰۹/۱۴.

رضایی، حمید (۱۳۸۴ الف)، تاریخ متولیان آستانه مقدسه قم، قم، زائر.

رضایی، حمید (۱۳۸۴ ب)، تاریخ نقبای قم، قم، زائر.

روزنامه اطلاعات، ۷۹۷۰، ۱۳۳۱/۰۹/۱۸، ص ۸.

روستایی، محسن؛ حسین احمدی رهبریان، (۱۳۹۷)، کتابچه اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم (سرشماری جمعیت عهد ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۵ هجری)، قم، نورمطاف.

روستایی، محسن؛ احمدی رهبریان، حسین (۱۳۹۶)،

کتابچه سیاقیه جمع و خرج آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س)، قم، زائر.

شروین، محمود (۱۳۷۴)، دولت مستعجل، تهران، علمی.

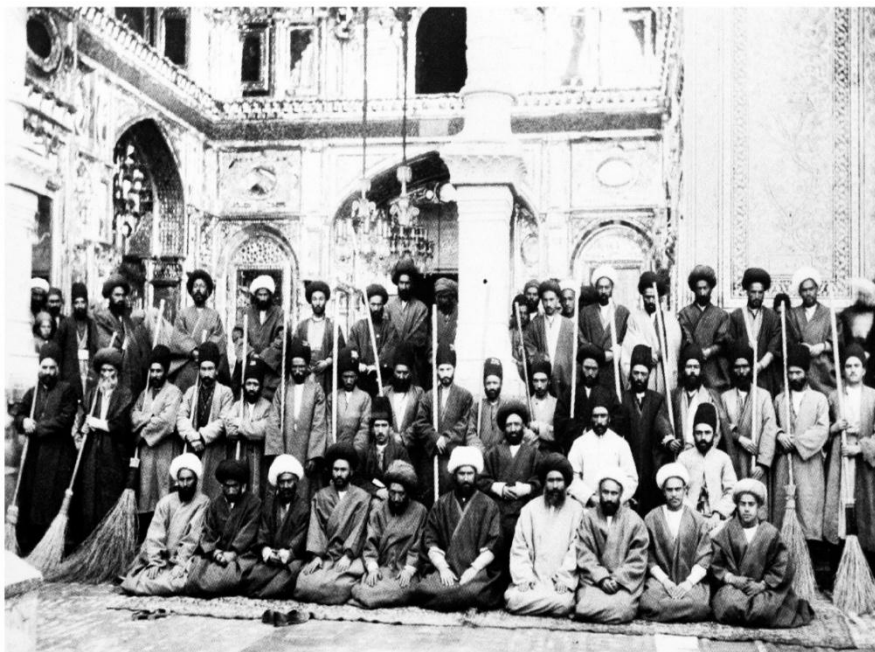
خدمتگزاران حرم به لحاظ درآمد جزو مرتبه ترین طبقات اجتماعی شهر قم به حساب می آمدند. به دلیل نظم حاکم بر وراثت شغلی، حتی زنان و کودکان بی سرپرست خدمتگزاران بعد از فوت یا از کارافتادگی مستمری دریافت می کردند.

همچنین بررسی ها نشان می دهد انقلاب مشروطه و تجددخواهی دوره پهلوی تأثیر به سزای در وضعیت تشکیلات آستانه داشت به گونه ای که در این دوره با نظارت دقیق اداره اوقاف، قدرت معنوی و اجرای متولیان و سرکشیک های موروثی کاسته شد، حقوق خدمتگزاران بر اساس نظام اداری کشور و از طریق بانک های دولتی پرداخت گردید، تا جایی که در اواخر دوره پهلوی با استخدام نیروهای جوان، اصلاحات آمرانه حکومت پهلوی چون تصویب و اجرای لباس متحدالشکل ایرانیان، الزام دانش آموزان به پوشیدن لباس فرم وزارت فرهنگ کشور تحت عنوان لباس معارفی یا فرهنگی، اجرای آزمون علمی از طلب علم دینی و خدمتگزاران حرم به منظور صدور مجوز استفاده از لباس روحانیت، تأسیس موزه آستانه در سال ۱۳۱۴ش و الزام وزرات معارف برای تهیه لباس فرم و نشان مخصوص برای کارکنان و پاسبانان موزه، لباس و وضعیت کشیک ها دگرگون گردید، بسیاری از خدمتگزاران موروثی بازنشسته یا خانه نشین شدند. باین حال تشکیلات اداری آستانه تا به امروز بخش مهمی از هویت و شناسنامه شهر قم است که نمی توان از آن چشم پوشید.

منابع

اسناد مرکز اسناد مقدس فاطمی با سرواژه مامف
۱۱/۲۳۱۳۱، ۱۱/۲۳۲۷۲، ۱۱/۲۰۸۷۰/۲۳۵۹۶، ۱۱/۱۱۰۲۰۸۷۰/۲۳۵۹۶،
۱۱/۳۰۰۸۴۶، ۱۱/۱۰۰۴۳، ۱۱/۲۱۰۲۸، ۱۱/۹۰۰۱۳۲

- طالبی نژاد، زهرا، مصاحبه، ۱۳۸۰/۲/۱، منزل شخصی محله شاد قلی خان قم.
- عادل شعار، باقر، مصاحبه، مورخه ۱۳۹۶/۱۱/۱۰، شهرستان امام خمینی حرم حضرت معصومه (س).
- قاجار، یکاووس میرزا (۱۳۹۹)، سفرنامه مکه، به کوشش رسول جعفریان، تهران، علم.
- قاضی ها، فاطمه (۱۳۸۱) سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به قم (سفر ششم)، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- تقدیری، سعید (بهار ۱۳۹۱)، اسنادی از رویدادهای آستانه مقدسه قم، مجله بهارستان، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۵، ص ۶۱-۷۸.
- قزوینی رازی، نصیرالدین عبدالرشید عبدالجلیل (۱۳۵۸) النقض (بعض النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض)، تهران، سلسله.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن (۱۳۸۴)، تاریخ قم، قم، زائر.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین، (۱۳۵۵) تربت پاکان قم، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی.
- منظور الاجداء، سید محمدحسین (۱۳۸۰)، سیاست و لباس (گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه ۱۳۰۷-۱۳۱۸) سازمان اسناد ملی ایران.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲)، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه و نوین.
- امین نژاد نجفیان، محمد؛ مهدی عباس آباد، محمدرضا (۱۳۸۹)، منصب ناظر بیوتات در دوره صفویه (از شاه عباس اول تا سقوط صفویه)، پژوهش‌های تاریخی، سال دوم شماره ۲ (پیاپی شماره ۶)، ۱۳۸۹، صفحه ۱۱۵-۱۳۴.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، تهران، اهورا.



شکل شماره ۱- تصویر خدمتگزاران و فراش‌ها با لباس روحانی و مردم عادی در سال ۱۳۰۳ هجری قمری به شماره شناسه (ماامف، ۱۱/۳/۵۰۳۰).



شکل شماره ۲ - تصویر خادم ورودی جمهوری با لباس متحدالشکل به همراه گرز تشریفات به شماره شناسه (ماامف)،
(۱۱/۵۰/۳۰)

پیوست.

نمونه اسناد بازخوانی

سند شماره ۱

تفویض خدمت به وراث آسید حسن میر ابوالفتحی
در سال ۱۲۸۱ هجری (مامف، ۲۳۱۶۴/۱۱)

جنابان قدوسی القابان کتاب خیریت اکتساب
مستوفی سرکار فیض آثار بدانند، چون مرحوم آسید
حسن میر ابوالفتحی در این اوقات وفات کرده و در
مقابل خدماتی که به او رجوع شده بود، همچنان بنجه
از موقوفات سرکار موهبت مدار در حق او مقرر بوده و
دو پسر از آن مرحوم باقی‌مانده و هر دو شایسته خدمت
آستانه مقدسه می‌باشند مشمول از مواجب خدمت
می‌باشند، لهذا از تاریخ هذه السنه سیچقان نیل خیریت
تحویل سه تومان نقد و از همین قرار جنس از بنجه آن
مرحوم به انضمام خدمت او در عهده اولاد ارشد او که
عالی‌جناب آقامیرزا بزرگ است با یک تومان پنج هزار
دینار بنجه مواجب خود او برقرار نمودیم و دو تومان نقد
و از همین قرار از جنس بنجه مواجب آن مرحوم است
علاوه بر مواجب سابق او افزودیم بنا بر استدعای
عالی‌جناب آقامیرزا عزیز که اولاد آن مرحوم به انضمام
خدمت آقابزرگ که خادمی سرکار است و در حق
عالی‌جناب آقامیرزا عزیز که والد دیگر آن مرحوم است،
صد تومان موجب سابق او را افزودیم بنای استدعای
عالی‌جناب میرزا بزرگ یک تومان و پنج هزار دینار
مواجب خود او به انضمام خدمت زیارت‌نامه‌خوانی آمیرزا
عزیز در حق میرزا هاشم برمشارالیه برقرار نمودیم که
جمع مواجبات مزبور هفت تومان و پنج هزار دینار بنجه
نقد و از قرار معمول جنس از قرار تفضیل؛ بنج آقامیرزا

بزرگ بنجه آقامیرزا عزیز - بنجه سید هاشم

از همین قرار که در دفتر استیفای سرکار فیض آثار
ثبت نموده این نوشته را سند خود دانند تحریر فی شهر
ربیع المولود سنه ۱۲۸۱ مهر الراجی محمدحسین ابن
محمد رضا الحسینی غفور به متولی عصر
مهر لاله‌الله الملك الحق المبين محمدحسین

سند شماره ۲

تغییر لباس خدمتگزاران (مامف، ۹۰۰۲۵/۱۱)
وزارت معارف اوقاف و صنایع مستظرفه نمره عمومی
۲۶۹۸۸ تاریخ ۱۳۱۴/۰۶/۰۶

جناب تولیت آستانه رضوی

چون این وزارتخانه در نظر گرفته صورتی به وضعیت
تشکیلات آستانه قم بدهد، از جمله پوشیدن لباس
مخصوص خدام آنجا است، لذا در صورت امکان کارکنان
این آستانه متحدالشکل باشند، مقتضی است نشان فرم
لباس خدام آن آستانه مأمور ارسال می‌کنید.

ابوالحسنی

حاشیه سند: جواب مراسله آماده است که نظام‌نامه
با اصل حکومت آمده عودت داده شود که به‌موقع به
اجرا بگذارید، و راجع به لباس و نشان فراش‌ها
دستورالعمل مفصلی صادر خواهد شد.

به قسمی که فرموده بودید دیروز جواب داده شده
است، فقط متن لاکی شده است. عزت پور
۱۳۱۴/۱۱/۶/۳.